روزگار سخت

● **شرق:** «یک مرد مسن دنیاش رو قبل از جنگ ۱۹۱۴ به یاد می‌آره، بعضی از این خاطرات احتمالا برای سال‌های خیلی‌خیلی دوره... وقتی که به پسربچه رو برجستر بوده... یا خاطرات آلمان دهه نود... همه رفتند... برای همیشه رفتند... پس اون تمام افسوس و التهابش رو بیرون می‌ریزه، قطره‌قطره... و اندوه شیرینی رو تو مشر توی ویولون‌سل مهر می‌کنه. البته اون هم میره، میره جایی که روزهای آفتابی و سبز قدیم و شب‌های درخشان رفتند... ولی بعد چه اتفاقی می‌افته؟ اه، یک معجزه کوچک... این بخشی از نمایش‌نامه «خاندان لیندن» نوشته جی.بی. پریستلی است که در سال ۱۹۷۴ نوشته شده و مدتی پیش با ترجمه سمیه صادقی در نشر حکمت کلمه به فارسی منتشر شد. نویسنده کتاب، از داستان‌نویسان و نمایش‌نامه‌نویسان قرن بیستم بریتانیایی است که در سال ۱۸۹۴ متولد شد و در ۱۹۸۴ در دیارفت. «خاندان لیندن» اولین‌بار در سالن تئاتر دوشس در لندن به روی صحنه رفت و از آن زمان به بعد بارها اجرا شده است.

ماجرای این نمایش‌نامه در سال ۱۹۴۷ در خانه پروفسور رابرت لیندن اتفاق می‌افتد. او استاد تاریخ مدرن در دانشگاه برمنلی است. «خاندان لیندن» نمایش‌نامه‌ای است در دو پرده با نه شخصیت و هر پرده شامل دو صحنه است. صحنه اول در اتاق پروفسور لیندن آغاز می‌شود. اتاقی بزرگ و تمیز از تمام دیوارهایش قفسه‌های کتاب دیده می‌شود و یکی، دو قفسه هم پر است از دست‌نوشته‌های درسی. پروفسور میزی نسبتا بزرگ هم دارد که روبش برای ما از کاغذ و کتاب و جید پیپ و شیشه تنباکو. پروفسور در این اتاق جلسه برگزار می‌کند و به این خاطر تعداد زیادی صندلی در گوشه و کنار اتاق قرار دارد. پروفسور لیندن، مردی است دانشمند و بشاش و البته نامرتب و متمول. خانواده لیندن به مناسبت شصت‌وپنج سالگی پروفسور دور هم جمع شده‌اند و ظاهرا مسائل دوران جنگ و ازجمله جریان‌بدی‌های آن، همه را با درد سر روبه‌رو کرده است: «من فکر می‌کنم هیچ چیزی دائمی نیست. اگه در این بیرسی دخلمون اومده. تو می‌تونی به انتخاب داشته باشی... با مقامات اتحادیه بازرگانی که به خودشون پست و مقام می‌دنه، با حزب محافظه‌کار که فریاد می‌کشند برگردید به رکود اقتصادی، همه‌شون به جز شباد و کلاه‌بردارند. در هر دو صورت دخلمون اومده. دووم نمیاریم. اگه هرکدوم از طرف‌های درگیر، بمب‌های اتمی و موشک‌ها رو بفرستند... به احتمال نود درصد ما اینجا هدف قرار می‌گیریم. بعضی وقت‌ها به قرار فکر می‌کنم... مثلا آمریکای جنوبی، یا آفریقای شمالی... ولی به جوانی احساس می‌کنم که قرار هم فایده‌ای نداره. پس هرجی خوبه برید رو قبول می‌کنم و سعی می‌کنم خوش باشم». اعضای این خانواده هریک با بحران‌های مختلفی روبه‌رو هستند. پروفسور لیندن نیز با مسئله‌ای مربوط به کار و تدریس روبه‌رو است. او می‌خواهد به تدریس ادامه دهد؛ اما معاون جدید دانشگاهی که او در آن مشغول است، به او برای بازنشسته‌شدن فشار می‌آورد و خانواده‌اش نیز در مواجهه با این موضوع به دو دسته تقسیم شده‌اند. پروفسور در یکی از دیالوگ‌هایش درباره وضعیت ناشی از بحران جنگ می‌گوید: «داشتن به انقلاب، به تحول، برای یک بار هم که شده بدون وحشت، بدون غارت و چپاول آزادل و اوباش، بدون پلیس مخفی، بازداشت‌های ناگهانی، قتل‌ها و اعدام‌های زیاد و وحشتناک، بدون به حرکت درآوردن بادبول خشونتی که می‌تونه قبل از متوقف‌شدنش سه نسل رو قربانی کنه. ما داریم از آخرین ذره تمدن و فرهنگمون مبارزه می‌کنیم. در نهایت اگر ما پیروز بشیم، همه پیروز میشند».

خاندان لیندن
جی.بی. پریستلی
ترجمه سمیه صادقی
نشر حکمت کلمه

بیرون‌کشیدن واقعیت از شکسته‌بسته‌های گذشته

● **شرق:** بزرگ علوی از داستان‌نویسانی است که در کنار حدیث و چوبک در نحول داستان ایران تاثیر عمده داشته و او را از پدران داستان‌نویسی مدرن ایران خوانده‌اند. علوی نویسنده‌ای رئالیست و چپ‌گرا بود که بیش از چهار دهه از نیمه دوم قرن بیستم را در آلمان زیست و نوشت. چه در نوشتن فرهنگ‌نامه پرداخت. او علاوه بر رمان‌های موفق و هوفمنی همچون «چشم‌بیلان»، مجموعه‌داستان‌های کوتاه خواندنی نیز دارد؛ ازجمله «چمدان»، «ناهمه»، «مویرباره‌های زندان» و «میرزا». محمدعلی سپانلو در «نویسندگان شیفته ایران» از روحیه حساس و اسلوب روان داستان‌نویسی بزرگ علوی می‌نویسد و تاکید می‌کند که او نویسنده‌ای رئالیست که داستان‌هایش را با زبانی ساده و رمانتیکی که در روحیه ایرانی ریشه دارد، درآمیخته است. او همچنین به نخستین داستان قابل تامل بزرگ علوی اشاره می‌کند با عنوان «سرباز سربی» که متعلق به سال‌هایی است که او در فرنگ زیسته است. «علوی به‌تدریج سبک خود را توسعه می‌دهد و چند قصه ممتاز مثل نامه‌ها، رقص مرگ، کیلمه‌برد و بالاخره چشم‌بیلان را به ادبیات فارسی ارمغان می‌کند. علوی علی‌رغم سبک و تکنیک نیمایی‌سازانه‌ای دارد، در فرم قصه‌هایش به تلاش‌های مربوط به کار و تدریس روبه‌رو است. او می‌خواهد به تدریس ادامه دهد؛ اما معاون جدید دانشگاهی که او در آن مشغول است، به او برای بازنشسته‌شدن فشار می‌آورد و خانواده‌اش نیز در مواجهه با این موضوع به دو دسته تقسیم شده‌اند. پروفسور در یکی از دیالوگ‌هایش درباره وضعیت ناشی از بحران جنگ می‌گوید: «داشتن به انقلاب، به تحول، برای یک بار هم که شده بدون وحشت، بدون غارت و چپاول آزادل و اوباش، بدون پلیس مخفی، بازداشت‌های ناگهانی، قتل‌ها و اعدام‌های زیاد و وحشتناک، بدون به حرکت درآوردن بادبول خشونتی که می‌تونه قبل از متوقف‌شدنش سه نسل رو قربانی کنه. ما داریم از آخرین ذره تمدن و فرهنگمون مبارزه می‌کنیم. در نهایت اگر ما پیروز بشیم، همه پیروز میشند».

مجموعه آثار
بزرگ علوی
نشر نگاه

معناخشیدن به بی‌معنایی

کشسپیر کهنه نمی‌شود

عکس: سهیل نقی‌شورندی

گفت‌وگو با امید طیب‌زاده به مناسبت انتشار ترجمه تازه‌اش از اشعار شکسپیر

پیام حیدرقزوینی

**چه بسیارند آثاری که در دوران حیات نویسنده یا شاعری در حاشیه می‌مانند و پس از مرگ مؤلف به شهرت همگانی می‌رسند و سپس به حاشیه رانده می‌شوند. در تاریخ ادبیات جهان، منظومه‌های شکسپیر در این دسته دوم جای می‌گیرند. شکسپیر همان‌قدر با نمایش‌نامه‌هایش شناخته می‌شد که با اشعارش و عجیب اینکه آن دوران یکی از منظومه‌هایش موفق‌ترین اثرش به شمار می‌رفت. چنین است که در حاشیه ماندن اشعار شکسپیر دلیلی بر بی‌اهمیت بودن‌شان نیست. شکسپیر پژوهش دیگری هم دارد و آن اینکه او تنها به نسخه اساسی اکتفا نکرده و نسخه‌بدل‌ها را هم در نظر داشته است. اینها باعث شده تا این ترجمه‌ها به ترجمه‌هایی به اصطلاح دانشگاهی بدل شوند. به عبارت دیگر، ترجمه‌های طیب‌زاده علاوه بر اینکه می‌تواند مخاطبانی عام داشته باشد، مخاطبان خاص را هم در نظر داشته و کرده است و این ویژگی سبب شده تا ترجمه‌هایش از اشعار شکسپیر درعین‌حال به اثری پژوهشی درباره اشعار او نیز بدل شود. ترجمه‌های طیب‌زاده از شکسپیر ویژگی دیگری هم دارد و آن اینکه او تنها به نسخه اساسی اکتفا نکرده و نسخه‌بدل‌ها را هم در نظر داشته است. اینها باعث شده تا این ترجمه‌ها به ترجمه‌هایی به اصطلاح دانشگاهی بدل شوند. به عبارت دیگر، ترجمه‌های طیب‌زاده علاوه بر اینکه می‌توانند مخاطبانی عام داشته باشند، مخاطبان خاص را هم در نظر داشته و کرده است. این ویژگی را می‌توان از اشعار هایش از اشعار شکسپیر در ع